

از ماست که برماست



افلیا پرویزاد
e-mail: azmastkebarmast@yahoo.com

I imagine one of the reasons people cling to their hates so stubbornly is because they sense, once hate is gone, they will be forced to deal with pain.
James Baldwin

بخت کمی کم، چرا که خیس هستی و اگر سوار قایق قشنگ و تمیز من بشوی، آن را کثیف خواهی کرد!!... «زیبایی» نیز به راه خود ادامه میدهد...

در همین موقع «عشق» متوجه میشود که «غم» در نزدیکی میباشد... فریاد را سر میدهد: «غم» بدادم برس، کمکم کن، دارم غرق میشم!!... «غم» با ناراحتی و افسردگی بسیار به «عشق» نگاه میکند، آهی می کشد و میگوید: «عشق»، بقدری ناراحت و پریشان خاطر هستم که فقط دلم میخواد تنها و با خودم باشم... «غم» نیز آهسته آهسته از جلوی چشمان «عشق» میگذرد و به راه خود ادامه میدهد...

در همین حال «خوشحالی» نیز از جلوی «عشق» رد میشود، اما از شادی و هیجان بیش از اندازه متوجه داد و فریادهای «عشق» نمی شود و به راه خود ادامه میدهد... «عشق» چشمش میافتد به «تفر»... با اینکه همیشه سعی بر این داشت که از او دوری کند اما از روی ناچاری داد میزند: «تفر»، «تفر»، ساحل بزودی به زیر آب میره... دارم غرق میشم... میتونی نجاتم بدی؟!... «تفر» نگاهی منظرانه به «عشق» می اندازد و با لحنی تلخ میگوید: من از تو متنفرم، طوری که اصلاً دلم نمیخواد قیافه ات را ببینم... حالا انتظار داری که بهت کمک هم بکنم؟!... «تفر» با عصبانیت سرش را برمیگرداند و به راه خود ادامه میدهد...

همانطور که «عشق» با ناامیدی و ناراحتی بسیار در انتظار کمک بود، یکدفعه صدایی با لحنی بسیار مهربانانه به گوشش میرسد: «عشق» بیا... من کمکت خواهم کرد...

«عشق» با خوشحالی و هیجان بیش از انداز سوار قایق میشود...

وقتی به ساحل بعدی میرسند، «عشق» از قایق پیاده شده اما آن صدای ناشناس به راه خود ادامه میدهد...

«عشق» متوجه میشود که از خوشحالی و هیجان زیاد فراموش کرده بود تا اسم کسی را که نجاتش داده پرسد... به دوروبرش نظری می اندازد و چشمش می افتد به «عقل» که در گوشه ای ایستاده و «عشق» را نگاه میکند...

«عشق» می پرسد: «عقل»، تو دیدی که چه کسی به من کمک کرد؟!... «عقل» جواب میدهد: بله دیدم... آن «وقت» بود که به یاری تو شتافت... «عشق» با تعجب بسیار می پرسد: «وقت»؟!... اما چرا «وقت» به من کمک کرد؟!... «عقل» لیخندی پر معنا میزند و میگوید: بخاطر اینکه فقط «وقت» است که توانایی این را دارد تا ارزش «عشق» را بداند...

* * * * *

یکی از آشنایان اکثر اوقات، در مورد مسائل مختلف، کوچک یا بزرگ، مثبت و یا منفی، بطور ناامیدانه نظر میدهد و با آنها روبرو میشود... در نتیجه نه تنها اعصاب خودش را ناراحت میکند، بلکه مشوق خوبی نیز برای اطرافیانش نمیتواند باشد... البته چنین خصوصیتی را میتوانم در بسیاری از هموطنان مشاهده کنم، بخصوص هر چه که سن بالاتر میروند!!...

چند باری بطور دوستانه این مسئله را با این آشنای عزیز در میان گذاشتم، و از او خواستم تا آنجایی که میتواند به زندگی، با روحیه ای شادتر و مثبت تر نگاه کند. با اینکه سعی خودش را میکند، اما متأسفانه هنوز که هنوز است در بسیاری از موارد به شکایتها و دید منفی اش ادامه میدهد...

یکی از مسائل مهمی را که بسیاری از ما در زندگیمان فراموش میکنیم مسئله قدرت کلام است... چون زبان، گوشتی است و به هر طرفی میچرخد، متأسفانه در بسیاری از موارد متوجه این مهم نیستیم که حرفهایمان میتواند چه اثراتی، خوب و یا بد، بر روی دیگران و زندگی آنها و بخصوص خودمان بگذارد...

یاد داستانی می افتم که چند وقت پیش شنیدم... «تعدادی قورباغه با همدیگر در جنگل راه میرفتند... در همین موقع دو تا از قورباغه ها ئی که به جلوی راهشان توجه نمیکردند، می افتند به داخل یک گودال

عمیق... قورباغه های دیگر به دور گودال جمع شده و وقتی متوجه میشوند که چقدر این گودال عمیق است، خیلی مایوسانه به دو تا قورباغه ای که در آن افتاده بودند میگویند که بیخودی تلاش نکنند، چون راهی برای بیرون آمدن نیست و مُردن تنها راه برای آنها می باشد...

دو تا قورباغه ها اعتنائی به حرفهای قورباغه های دیگر نکردند و شروع میکنند به بالا پریدن تا بتوانند خود را از گودال بیرون بکشند... قورباغه هایی که به دور گودال جمع بودند مدام با ناامیدی به دو تا قورباغه ها میگفتند که دست از تلاش بردارند و بیهوده بالا و پایین نپزند چرا که اصلاً امیدی به نجات آنها نیست و در نهایت خواهند مُرد... بالاخره بعد از مدتی کوتاه از بس که قورباغه هایی که به دور گودال جمع شده بودند از ناامیدی و مرگ حرف زدند، یکی از قورباغه هایی که در داخل گودال افتاده بود از نجات خود مایوس شده و از پریدن صرف نظر میکند و میمیرد... اما قورباغه دیگر مدام برای نجات خود تلاش میکند، و بالا و بالاتر می پرد و بیشتر و بیشتر به فعالیت خود ادامه میدهد... بارها و بارها قورباغه های دیگر داد و فریاد میزنند که خودت را اینقدر آزار نده و مانند قورباغه دیگر شکست را قبول کن، تسلیم شو و مرگ را بپذیر، چرا که نخواهی توانست از این گودال خودت را بیرون بکشی... اما هر دفعه که قورباغه ها حرفهای ناامیدانه خود را تکرار میکردند، قورباغه در گودال افتاده فعالیت خود را بیشتر میکرد و بالاتر می پرید تا اینکه بالاخره توانست خودش را از داخل گودال به بیرون رساند و نجات دهد...

وقتی بیرون آمد با خوشحالی بسیار، از قورباغه های دیگر برای نجاتش تشکر کرد...

قورباغه ها نگاهي متحیر به او انداخته و گفتند که چرا از ما تشکر میکنی!! ما که مُدام بهت میگفتیم تسلیم شو و بمیر!!...

قورباغه با اشاره به آنها میگوید که حرف آنها را نمی فهمد، چونکه گُر است و گوشش نمی شنود... معلوم میشود که وقتی در داخل گودال بوده با نگاه کردن به قورباغه های دیگر و طرز حرکات آنها فکر میکرد که دارن تشویقش میکنند که بالاتر و بالاتر بپره!! چقدر خوب میشود که دفعه ديگه وقتی زبانمان را می چرخانیم تا کلمات را بیان کنیم به یاد این داستان بیفتیم و متوجه شویم به اینکه این کلمات چه قدرتی و اثری در زندگی طرف مقابل میتواند داشته باشد...

تحریم های بیشتر در این روزها حتی با وجود حمایت های روسیه و چین بسیار دیر هنگام و بی ارزش است. با وجودی که گزینه تغییر حکومت تهران، گزینه های مرجح است، اما احتمال بیرون راندن روحانیون از حکومت در حال حاضر وجود ندارد. آیا ما در پنج سال گذشته کاری برای حمایت از ناراضیان سیاسی درون ایران کرده ایم؟ جوانان، محرومان اقتصادی نمونه هایی از این ناراضیان هستند. گزینه تغییر حکومت مانند یک کلید برق نیست که بتوان آنرا روشن یا خاموش کرد. این کار سختی ها و مشکلات بسیاری دارد که عذری برای انجام ندادن آن پذیرفته نیست. از همین روست که اسرائیل در نقطه تصمیم گیری بحرانی قرار دارد: استفاده از اهرم تهاجم نظامی به منظور از بین بردن کنترل و تسلط ایران بر دانش بومی چرخه سوخت هسته ای.

این عمل در صورت موفقیت که بسیار نیز پرخطر می نماید نخواهد توانست بحران هسته ای ایران را برای همیشه حل نماید. چرا که آنها این پتانسیل را دارند که برای مدتی زمان خرید و فعالیت های بحران زای خود را برای مدتی کناری نهند.

است که با گروه EU-۳ (بریتانیا، فرانسه و آلمان) مذاکره بی حاصل داشته و به سادگی هم اکنون ۵ سال به ساخت بمب اتم نزدیکتر شده است. تصور کنید پس از این برای دولت «بوش» چه رخ خواهد داد: در شش ماه آینده این دولت به حرکت لنگان لنگان خود ادامه داده و سیاست وقت کشی را تعقیب خواهد کرد. به این شش ماه بیافزاید شش ماه نخست رئیس جمهوری آینده را که به منظور تعیین تیم امنیتی و سیاسی خود صرف خواهد کرد و همه اینها به ما می گوید که ایران یک سال دیگر نیز زمان به دست خواهد آورد. به جرأت می توان گفت که ما در بازی ارائه مشوق های مالی - اقتصادی به ایران بازنده بوده ایم چرا که در حالی که ما مشغول ارائه این مشوق ها به ایرانیان بودیم، آنها درحال انجام تلاش های علمی، پژوهشی خود بوده اند.

تحریم های کنونی شاید پنج سال پیش می توانستند بر ایران اثر گذار باشند، اما هم اینک بی تردید تأثیر بر فعالیت های هسته ای ایران نخواهند داشت، چرا که این تحریم ها تنها به اقتصاد ایران لطمه خواهد زد و اقتصاد ایران طی سی سال گذشته به علت مدیریت غلط به اندازه کافی آسیب دیده است.

جان بولتون: حمله به ایران، تنها راه است!

اضافه ای است که برای ساخت بمب اتم بدان نیاز دارد. این برنامه ای است که حکومت ایران به طور مخفیانه در طول مدت ۲۰ سال تعقیب کرده است.

بین ایران و هدف دراز مدت وی یک حایل قرار دارد: «تهاجم نظامی از سوی آمریکا یا اسرائیل. ایران امروز توانایی تولید جنگ افزار هسته ای را ندارد حتی ممکن است این توانایی را تا چند سال آینده نیز نداشته باشد. گمانه زنی ها بسیار گشاده دستانه است و هیچکس به جز روحانیون تهران به درستی نمی داند که آنها چه زمانی به سلاح هسته ای دست خواهند یافت که آنها نیز مطمئناً به کسی نخواهند گفت». با این همه، زمان، کلید این داستان نیست. یک نکته مهم آن است که رهبران ایران چه زمانی تصمیم به نظامی کردن فعالیت های هسته ای خود بگیرند بدون آنکه تظاهرات خارجی آن موجب توقف آن از سوی جامعه جهانی شود. ما نمی دانیم که آیا ایران در این نقطه قرار دارد یا آنکه چقدر به این نقطه نزدیک است. تنها چیزی که ما می دانیم آن است که ایران هم اکنون ۵ سال

به جای ادامه دادن مسیر ۵ ساله دیپلماسی شکست خورده پیشین، ما باید به طور جدی با اسرائیل، پیش و پس از حمله به ایران همکاری کنیم...

اخبار روز: جان بولتون سیاستمدار بسیار تندرو و جنگ طلب آمریکایی همچون گذشته به سیاستهای اعمال شده از سوی دولت آمریکا در قبال ایران انتقاد داشته و مدعی است حمله به ایران تنها گزینه مناسب در برابر ایران است. آنچه در پی می آید، مقاله ای از جان بولتون است که هفته گذشته در «وال استریت ژورنال»، منتشر شده و ترجمه فارسی آن را سایت «آفتاب» درج کرده است: آزمایش موشک های قاره پیمای ایران در هفته گذشته به همراه ادبیات تند و خشن فرماندهان نظامی ایران نشان داد که خاورمیانه تا چه حد به نقطه بحرانی و بازگشت ناپذیر نزدیک است. تلاشهای تهران به منظور ترساندن ایالات متحده و اسرائیل از انجام عملیات نظامی علیه این کشور به همراه مذاکرات دیپلماتیک ایران با اتحادیه اروپا دوری یک سکه اند. حکومت تهران در حال خریدن وقت



Laser Beauty Center از بین بردن موهای زائد بدن با لیزر

با مدیریت ندا امیری
Neda Amiri R.N.

با بیش از ۸ سال سابقه

- جوان سازی پوست با استفاده از لیزر
- از بین بردن موهای زائد بدن با استفاده از لیزر
- کشیدن پوست بدون جراحی با استفاده از لیزر
- بوتاکس

- Laser Skin Rejuvenation
- Laser Hair Removal
- Titen (Skin Tightening)
- BotoX

مشاوره اولیه رایگان

(408) 370-3882

1848 Saratoga Ave., #6A, Saratoga, CA 95070

ماساژترین قیمت بهترین کیفیت

سفره عقد

408-931-0105
Email: maryam@aghd.us

برای آشنایی با سایر خدمات و مشاهده نمونه طرحها به وب سایت ما مراجعه فرمایید:

www.aghd.us

LaserWash TOUCH FREE

Car Wash

Coupons & more:

Touchfreewash.com
"Free popcorn, forever"

۷٪ از درآمد ما به سازمان های خیریه اهدا می شود.
7% of our proceeds are donated to charity.

1199 El Camino Real, San Bruno, CA 94066